

ایشان فرزند بزرگ ایشان که مولانا جسام الدین این بزرگ
در آن حال بدخود را مشوش خواند و بدیند پر سید الله یا بابا
مشوش حال سینه کفته اندی جان پیر از من چیزی می
چو طاعت ندام و طریق تحصیل آن نیز نمیدانم از من قلب سلیم
میطلبند مولانا جسام الدین فرموده اند که یا بابا لحظه حاضر من
باشید معلوم شما نخواهد شد چون متوجه شد و اندر گذار
مولانا حمید الدین در باطن خود لطیفان و الهامی یافت اندم
باز کرده اند و گفته اند که ای فرزند بزرگ اللّٰه خیر امر را در حق
در رفتن این بایسته است در بیغ ازین عمر که ضایع کرده ام آن
برکت فرزند صالح بعد جمع تمام از دنیا رفتند ای برادر
بدانکه بی محبت و شفقت بی ترک لذت شهوات این
معنی است نه در حاجتی که پیجویی کردی در آخرت است و در
دین سراسر فانی رنج میباید کشید و دیگر ارباب آسوده ای

آرزوی که فروریست و یکبارگی ^{خواهد} گنج در کل بی غایت
شادای بیغ درین بازار است بدانکه این عالم را نیستی آن
عالی نمی باشد کویا در میان بیابان بی نهایت شمشاد
از هر چه نار و است بر دیده نام ^{بار خوار} و ز هر چه ناپسند بود است
لوح دل از خوارتعلق بنشیند تا با شدت بجای دهن قورباغه
فقولیت از اهل صوفیه اگر بخواجگانم قوس سوره فرموده اند
طالبان سلوک باید که همه خلق رضای شفقت و احسان
باشند زیرا که مؤمن آنقدره بمقتضای انما المؤمنون
با یکدیگر در مقام شفقت باشند بلکه این نسبت را جمع
موجودات و موجودات عین و عین فرض شمرند تا از دولت
قایلی کلمه الشفقة علی خلق الله بهره مند گردند
این کار دولتت کنون تا اگر رسد طالب هو شمنه باید
با همه گدایان و سائلان شفقت و مروت کند لقمه